

پرسه → **دکتر هادی معتمدی**

بحثی اندر باب مشاغل خاکستری

نمی‌دانم استفاده از این اصطلاح در بین جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی جایگاهی دارد یا خیر و آیا از آن در همین موردی که مورد نظر ماست استفاده می‌کنند یا موارد دیگری را مورد توجه قرار می‌دهند؟ ولی هر چه هست ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که فارغ از سودای نام آن، دارای محتوایی است که به لحاظ شفاف نبودن قوانینی که ما در کارهای رایج و معمولی در جامعه می‌بینیم در این نوع کارها آن را به عنوان کار غیرشفاف، تیره یا خاکستری می‌نامند.تقریباً تمامی دست‌اندرکاران با مشاغل سیاه در جامعه آشنا هستند، انواع دستفروشی‌های سر پهپارراه‌ها از آدامس و شکلات و فال حافظ و جوراب و نظایر آن گرفته تا اسپند دود کردن و شیشه ماشین پاک کردن و… که زمانی در چار چوب ایجاد شغل برای کودکان خیابانی ساماندهی شده بود ولی علی‌الظاهر در حال حاضر نتهنها هیچ نظارتی بر آنها اعمال نمی‌شود بلکه شغل شریف گدایی و آن هم از نوع چسبیده آن و بعضاً خانوادگی نیز به آن اضافه شده است و سر هر چهارراه تعدادی گدا ایستاده و منتظر شهر را بسیار زشت و زنده کرده‌اند و بسیار اتفاق می‌افتد که شب و نیمه‌شب وقتی از سر کار برمی‌گردید، می‌بینید زن و مردی جوان یا میانسال با یک کودک خواب‌آلود در کنار دیواری در تاریکی نشستند و نه دسستی دراز کرده‌اند و نه حرفی می‌زنند ولی همه وجودشان تکدی می‌کند و صدای واخواهی ایشان گوش وچنان آدم را کر می‌کند و بیچاره مردمی که با یک دنیا خستگی لقمه نانی به خانه می‌برند و این صحنه‌ها کوفت‌شان می‌کند آن یک لقمه را و هم اینجا گریزی برنیم که صرف‌نظر از آسیب‌شناسی موضوع در این تکاپوی جذب جهانگرد و ایرانگرد و مانند آن واقعاً باید کسی یا سازمانی به این مسأله گوشه چشمی نشان دهد.
این را گفتم تا مشخص شود که ما بین مشاغل سیاه و خاکستری فرق می‌گذاریم. با این مقدمه وارد بحث می‌شویم، بسیار پیش می‌آید که با افرادی برخورد می‌کنیم که وقتی در مورد شغل یا ایشان صحبت می‌کنیم می‌گویند دارای کار آزاد هستند ولی وقتی آدرس محل کارشان را می‌پرسیم جواب درستی نمی‌دهند و بعد از پرس و جو می‌بینیم یا زیرزمین خانه مادرشان یا گوشه‌ای از پارکینگ و انباری خود یا یک اتاق در خانه و گوشه‌ای از مهمانخانه یا یک اتاق کوچک در پشت‌بام یا گوشه حیاط و خلاصه هر جایی را که امکان داشته به عنوان محل کار تجهیز کرده‌اند و عکاسی می‌کنند، آتلیه می‌زنند، زیربرو برمی‌دارند، مانتوهای ارزان‌قیمت می‌دوزند، تزئینات به راه می‌اندازند، کلاس خصوصی زبان و موسیقی سر پا می‌کنند، تعمیر موبایل و کامپیوتر می‌کنند یا حتی آشپزخانه خود را با دو قابلمه بیشتر تجهیز کرده و قیمه و قورمه با نام مامان فلاں علم می‌کنند و نان‌های ساندویچ را با محتوای عجیب و غریب به نام فست‌فود مدرن به خورد خلق الله می‌دهند یا یک ساک بزرگ به دست گرفته‌اند و آنهایی که وضع‌شان کمی بهتر است و دستان‌شان به دهان‌شان می‌رسد یک وانت یا ماشین ارزان‌قیمت خریده‌اند و از تولید به مصرف راه انداخته‌اند و خلاصه هزار بامبول که لابد باید زندگی را گذراند و یک جوری از پس مخارج کمرشکن آن برآمد، و صدا البته ناگفته پیداست که ما نه با کسب درآمد و افزایش ثروت و تولید این حرف‌ها مخالقم و نه خدای نکرده قصد داریم این همه استعداد و کارآفرینی را در نطفه خفه کنیم بلکه در این مقال قصد داریم کمی به آسیب‌شناسی این موضوع بپردازیم و به نکاتی اشاره کنیم که برخی از آنها جنبه فردی پیدا می‌کند، برخی جنبه اجتماعی و برخی جنبه قانونی.

۱- بسیاری از کارهای مورد بحث دارای مضرات بهداشتی هستند مثلاً موادی که در عکاسی به کار می‌روند یا مواد شیمیایی مورد استفاده در روغن‌های گوناگون و مواد غذایی و… که وجود این مواد در محل‌های بسته یا در محیط خانه و بدون استفاده از وسایل مناسب می‌تواند برای سلامتی افراد شاغل در آن محل و احیاناً کودک و زن باردار و افراد مسن و بیماری را که با آنها مواجه می‌شوند بسیار خطرناک باشد.

۲- عدم وجود امکانات ایمنی مناسب در این محل‌ها مثلاً نبود کپسول آتش‌نشانی (بدیهی است که کسی در اتاق خانه خود کپسول آتش‌نشانی نصب نمی‌کند) فجايع بسیاری را به بار آورده که هرروزه اخبار آنها را در روزنامه‌ها می‌خوانیم و متأسفانه در این حوادث میزان خرابی به بارآمده بسیار بیشتر از بروز حادثه مشابه در یک محیط استاندارد است.

۳- شکستن حریم خانواده و ورود افراد غریبه به خصوصی‌ترین مکان زندگی انسان،



مثلاً در مواردی که این روزها ما شده است خانم‌ها نمایشگاه‌های لباس و وسایل خانگی را در سالن خانه خود به راه می‌اندازند و به در و دیوار محله برگه می‌چسباندن و گاهی اوقات با تبلیغ در روزنامه‌ها، جماعت را به خانه خود دعوت می‌کنند و چه‌بسا افرادی که با منظوری غیر از خرید وارد خانه می‌شوند و تبعات آن مانند دزدی بعد از شناسایی محیط و مانند آن از جمله مواردی است که هرروزه ماجرای آن را در روزنامه‌ها می‌خوانیم.
۴- شکستن حریم خانه فقط در بعد امنیتی اهمیت ندارد بلکه مسائل اخلاقی را نیز باید مدنظر داشت. زمانی که افراد با رفتارها و سلیقه‌های مختلف وارد زندگی انسان می‌شوند و در رابطه مستقیم با زن و فرزند او قرار می‌گیرند ممکن است از لایه‌ای آن مشکلاتی پدیدار شود و روابط و دوستی‌هایی شکل بگیرد که نمی‌تواند همیشه مورد تایید انسان باشد.

۵- عدم نظارت و بازرسی توسط مراجع ذی‌صلاح باعث می‌شود بسیاری از این تولیدات خانگی دارای کیفیت نامناسب بوده و امکان شکایت از تولیدات ایشان وجود نداشته باشد و به‌رغم قیمت نسبتاً پایین آنها در مواردی خریداران متضرر شده و کالایی غیراستاندارد را مورد استفاده قرار بدهند که اگر آن کالا به نحوی در ارتباط مستقیم با بدن انسان باشد یا خوراکی باشد چه بسا تبعات و خطراتی را متوجه سلامتی اسان بکند.
۶- در مواردی که این کارگاه‌های خانگی بزرگ‌تر بوده و از تعدادی کارگر نیز استفاده می‌کند معمولاً کارگران مورد استثمار قرار گرفته و هیچ نوع حقوقی برای ایشان مانند بیمه و اضافه‌کار و عیدی و سنوات و امثال آن در نظر گرفته نمی‌شود و در واقع کسانی که از روی ناچاری و کمبود نقدینگی اقدام به راه‌اندازی این مکان‌ها می‌کنند و خود افراد مستضعفی به شمار می‌آیند تبدیل به افرادی استثمارگر شده و حقوق دیگران را زیر پا می‌گذارند.

۷- ضایع کردن حقوق همسایگان و سایر افرادی که در مجاورت این کارگاه‌ها زندگی می‌کنند، مثلاً در مواردی که کار دارای سرو صدا بوده یا رفت و آمد زیادی داشته باشد یا از وسایل شیمیایی و مضر استفاده شود، باعث ایجاد مزاحمت و آلودگی از انواع و اقسام آن برای افرادی می‌شود که هیچ علاقه و نفعی در مورد موضوع مورد بحث ندارند.
۸- قطعاً اشاره به موضوعات شرعی مانند استفاده از بیت‌المال و امکانات عمومی جامعه و ندانن مالیات و حقوق متعلقه دولت که مرتبط با تمامی افراد است و فرد را نسبت به کل جامعه مسوول می‌کند با توجه به فرهنگ ایرانی و اعتقادات اسلامی اکثر مردم لازم و ضروری به نظر می‌رسد و این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم اکثریت قریب به اتفاق دارندگان مشاغل خاکستری از قشر ضعیف جامعه هستند و به

حلال و حرام اهمیت می‌دهند.
۹- نظر به اینکه این مکان‌ها معمولاً از منظر عمومی به دور است و برخی اوقات هیچ ارتباطی با محیط خارج ندارد مسائل غیراخلاقی نیز امکان بروز دارد و چه بسا اگر افراد غیر هم‌جنس در یک محیط بدون کنترل مدت زمان‌های طولانی در کنار هم کار کنند شاهد بروز انواع و اقسام آسیب‌ها در این محیط‌ها باشیم.
۱۰- و در کنار تمام این نکات باید به مهم‌ترین موضوع یعنی مسائل فرهنگی اشاره کرد. وادار شدن افراد به دروغگویی، پنهان‌کاری، حقوق دیگران را زیر پا گذاشتن و مانند آنها چیزی است که در فرهنگ ما که بر پایه حقیقت و جوانمردی و گذشت و این گونه تعابیر بنا شده است و آن هم برای کسی که به دنبال لقمه‌ای نان حلال برای خود و خانواده‌اش است، هیچ توجیهی ندارد.

۱۲ سایه‌های شهر

گزارشی از بازارهای شبانه فروش لباس

لباس‌های خیابانی

کمی پایین‌تر از او یک زن و شوهری جوان روی زمین بساط پهن کرده‌اند که فقط دستکش و شال و کلاه بافتنی دارند. بارشان زیاد نیست، وسیله حمل و نقل‌شان یک موتور سیکلت است. سه چهار تا مشتری دارند. کل کاسبی‌شان بعد از دو ساعت ایستادن ۲۰ هزار تومان است. آنها هم از مشکلات مشابهی می‌گویند؛ بیکاری، بی‌پولی، کرایه خانه و…

خیابان‌های اطراف ونک از دیگر مکان‌هایی هستند که این بازار شبانه در آنجا به راه است. هر چند، هر چند وقت یک باراین فروشنده‌های سیار به خاطر اعتراض مغازه‌ها و پاساژهای اطراف و برخورد شهرداری غیب‌شان می‌زند اما دوباره بعد از چند شب سر و کله‌شان پیدا می‌شود. این دستفروش‌ها را تقریباً از ساعت شش شب و به محض تاریک شدن هوا می‌شود دید. هرچه از پیاده‌رو به سمت بالا می‌رویم تعدادشان زیادت می‌شود. دقیقاً بعد از ذرت‌فروش و گل‌فروش و عینک‌فروش و… به لباس‌فروش‌ها می‌رسیم. همه لباس‌ها روی ریخته شده و خانم‌ها با ولع مشغول زیر و رو کردن هستند اما با این حال لباس‌ها و همچنین مشتری‌های این منطقه نسبت به جاهای دیگر با کلاس‌تر هستند. به گفته فروشنده هر نیم ساعت یک بار یک دسته بزرگ لباس از صندوق عقب ماشینش می‌آورد و روی لباس‌ها می‌ریزد. لباس‌هایش کار ترک است. می‌گوید لباس‌ها را باجناقش از ترکیه می‌فرستد و بعد از فروش، سودش را با هم تقسیم می‌کنند. علاوه بر خیابان در منزل هم به همسایه‌ها و فامیل لباس می‌فروشد. خودش می‌گوید دست‌کم ماهی ۶۰۰-۵۰۰ سود می‌کند. البته به نظر می‌رسد خیلی بیشتر از این باشد.

یکی از این شیوه‌های جدید که چند وقتی است در پایتخت باب شده، فروش لباس در خیابان، آن هم در پائینی‌ترین ساعات شب است. اگر ساعت ۱۰ شب به بعد گذرتان به خیابان افتاده باشد حتماً به این فروشنده‌های سیار لباس برخورد‌ه‌اید. این فروشنده‌ها تازه بعد از ساعت‌های ۹ و ۱۰ شب که ازدحام ماشین‌ها در خیابان‌ها کم می‌شود، با چین رگال‌های لباس کنار خیابان کار و کاسبی‌شان را که اغلب تا نیمه‌های شب ادامه دارد، شروع می‌کنند. به نظر می‌رسد سرما و گرمای هوا هم تاثیری آنچنانی در فعالیت آنها ندارد چرا که می‌بینیم با شروع فصل پاییز و سرد شدن هوا تنها نوع و مدل لباس‌هایشان است که عوض شده. اگر در تابستان بیشتر مانتوهای زنانه و انواع پانچو و روسری می‌فروختند، در هوای پاییزی انواع لباس‌های بافت و شال و کلاه است که می‌شود در بساط این فروشنده‌های سیار پیدا کرد از طرفی قیمت پایین لباس‌های این فروشنده‌های سیار نسبت به مغازه‌ها هم باعث شده اغلب مشتری‌های زیادی داشته باشند.

از امامزاده صالح تا امامزاده حسن

بساط این دستفروش‌ها همه جای شهر پهن است، بالاشر و پایین‌شهر هم ندارد. فقط شکل و ظاهر کار آنهاست که به تناسب جا تغییر می‌کند. اگر در پایین شهر بساط‌شان روی بچه‌ه کنار خیابان پهن است در بالا شهر از رگال‌های لباس برای فروختن لباس استفاده می‌کنند. تقریباً از تجربه‌ش و امامزاده صالح گرفته تا یافت‌آباد و امامزاده حسن نمونه این دستفروش‌ها را به راحتی می‌شود دید.

ساعت ۱۱ شب است. علی مرد حدوداً ۲۵ساله‌ای است که در یکی از خیابان‌های شمال شهر با برادرش لباس می‌فروشد. رگال‌های لباس را کنار ماشین پرایدش گذاشته و هر موقع که مشتری‌ها سرآه لباس‌هایی با سایز و رنگ متفاوت می‌گیرد به سمت صندوق عقب ماشینش می‌رود. شال، روسری، مانتو، کاپشن، بلوز و… در بساطش پیدا می‌شود. گران‌ترین جنس‌اش که یک مانتو بافت است ۲۰ هزار تومان قیمت دارد و ارزان‌ترین آن شال روسری‌های پنج هزار تومان است. کارمند است اما به گفته خودش حقوق کارمندی کفاف هزینه‌هایش را نمی‌دهد چه برسد به اینکه مغازه بگیرد و اجاره آن را هم بدهد. جنس‌هایش را از بازار می‌خرد. از درآمدش راضی است. شبی دست‌کم ۵۰ هزار تومان سود را دارد.

اقتصاد پنهان

کاهش درآمد دولت در اقتصاد سیاه

در تدوین سیاست‌های اقتصادی، دسترسی به آمار و اطلاعات جامع و صحیح از اهمیت بسزایی برخوردار است. از دید سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و کارشناسان، فراگیری و صحت آمار و اطلاعات به دو دلیل در معرض تردید قرار می‌گیرد. یک دلیل برای این مسأله نواقص مربوط به روش‌های جمع‌آوری اطلاعات یا نحوه اجرای آنهاست. اما دلیل دیگر، پنهان‌سازی آگاهانه اطلاعات توسط عدداً از عوامل اقتصادی است. واقعیت این است که همواره بخشی از عملکرد عمومی کشورها، به‌عمد از دید مأموران و واحدهای جمع‌آوری آمار و اطلاعات مخفی نگه داشته می‌شود. انجام فعالیت‌های اقتصادی که بر اساس قوانین و مقررات ممنوع اعلام شده‌اند، قرار از پرداخت مالیات، عوارض گمرکی و… انگیزه‌های اصلی برای چنین پنهان‌کاری‌هایی به شمار می‌روند. این بخش از اقتصاد را که ماهیتی پنهان دارد، اصطلاحاً اقتصاد سیاه می‌نامند. البته واژه‌های متعددی برای معرفی این پدیده به کار می‌روند که از آن جمله می‌توان به اقتصاد غیررسمی، اقتصاد پنهان و اقتصاد زیرزمینی اشاره کرد. ممکن است تصور شود اقتصاد سیاه فقط شامل فعالیت‌های مربوط به تولید، توزیع، نگهداری و مصرف کالاها و خدماتی مانند مواد مخدر است که در اغلب کشورها غیرقانونی است. ولی باید تذکر داد که فعالیت‌های دیگری هم می‌توانند جزء تشکیل‌دهنده اقتصاد سیاه محسوب شوند. کالاها و خدماتی که تولید، توزیع، نگهداری و مصرف آنها طبق قوانین کشور مجاز است، ولی فعالیت‌های مربوطه توسط عوامل غیرمجاز انجام می‌شوند نیز می‌توانند اقتصاد سیاه را تشکیل دهند. گاهی اوقات حتی کالاها و خدماتی که

دورسیه

تأمیل مردم برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی یا به عبارتی اقتصاد سیاه تنها مربوط به کشور ما نیست.

مطالعات انجام‌شده در کشورهای پیشرفته اروپایی و امریکایی نشان می‌دهد اگر شرایط آن‌طور که باید، نباشد سبب غلبه‌ای از مردم به فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی برای کسب درآمد رجوع می‌کنند.

مالیات سنگین، مقررات دست و پاگیر، آیین‌نامه‌های اداری و… عواملی هستند که معمولاً در همه کشورها مشوق شرکت در اقتصاد سیاه هستند. تحلیل انجام‌شده به وسیله کمر و سال ۱۹۸۶ نشان می‌دهد مردم برای به دست آوردن سود اقتصادی و مالی در فعالیت‌های اقتصادی سیاه درگیر می‌شوند.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۳ ■ دوشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۹



عکس‌ها: مهدی حسینی

هنگام →	پروفسور حسین باهر →	●
آسیب‌شناسی اقتصاد سایه		
اقتصاد سایه یا اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد کاذب یا کسب و کار جاشیهای، اشارهای است به کلیه عملیات داد و ستدی که بدون مجوز قانونی و بعضاً نامشروع صورت می‌گیرد. فهرست این اقلام عبارتند از: فروش گل و گیاه، فال حافظ، ابزار اتومبیل، ابزار منزل، رخت و لباس زنانه و بچگانه و کارگری، مواد مخدر، روزنامه‌های مستهجن، مسکرات، آلات ارتکاب جرم، صفحات صوتی و تصویری و… از همه پندر موارد خودفروشی و داللی محبت و دادوستد ادرس و شماره تلفن‌های مراکز فساد و مخفیگاه‌های کافه کارباه‌های زیرزمینی و مانند اینها. بدیهی است علت‌العلل این‌گونه آسیب‌های اجتماعی، فقدان کار و فراوانی		

همان منطقه هستند که آخر شب‌ها خانوادگی برای خرید می‌آیند. محمد پیرمرد ۶۰ ساله‌ای است که در بازار یافت‌آباد لباس می‌فروشد. بساطش را روی زمین پهن کرده است. خانانش همان اطراف است. آبدارچی، یکی از مغازه‌های اطراف است و شب‌ها هم فروشنده لباس. بعضی وقت‌ها همسرش را هم برای کمک همراه خودش می‌آورد. قیمت جنس‌هایش از ۹ هزار تومان بیشتر می‌شود. ولی در مورد درآمدش می‌پرسم فقط می‌گوید «خدا را شکر بد نیست».

شهر دستفروش‌ها

نمونه این دستفروش‌ها که‌هریک به شکلی در گوشه

●	مehوش عبدالله میانی – نرگس اکبریپوروشن →	●
----------	---	----------

حجم این بعد پنهان و عوامل مؤثر بر آن، به همراه آمارهای اقتصاد رسمی می‌تواند تصویر دقیق‌تری از اقتصاد را به معرض نمایش بگذارد که این موضوع،

کارساز باشد چرا که وقتی حجم اقتصاد سیاه در مقایسه با اقتصاد رسمی گسترده است، افزایش نرخ‌های مالیاتی برای تأمین کسری بودجه‌منجر به حرکت منابع از بخش رسمی به غیررسمی و در نتیجه تخصیص نامناسب تر منابع می‌شود.
اقتصاد سیاه در مباحث مربوط به اشتغال و نیروی کار هم خوندنمایی می‌کند. باید پذیرفت که امروزه حجم عظیمی از اشتغال جدید، به خصوص در کشورهای در حال توسعه مربوط به اقتصاد سیاه است. بیشتر مردم به این دلیل که نمی‌توانند در بخش رسمی شغلی بیابند یا قادر به شروع کسب و کار جدیدی در اقتصاد رسمی نیستند، وارد اقتصاد سیاه می‌شوند. با این حال کار کردن در اقتصاد سیاه را نمی‌توان در مقایسه با اشتغال شناخته و حمایت‌شده، «شایسته» نامید.
با این اوصاف آشنایی با این بخش از اقتصاد اهمیت زیادی می‌یابد. داشتن اطلاعات در رابطه با اندازه و مهم‌تر و تاثیر گذارتر مدنظر قرار گیرد و روش‌هایی با محاسن بیشتر انتخاب شود، تصویر اقتصاد سیاه به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود.
برای جمع‌بندی باید گفت اقتصاد سیاه بخش مهمی از اقتصاد را در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهد و نقش عمده‌ای در ایجاد اشتغال، تولید و ایجاد درآمد ایفا می‌کند. از این رو با جمع‌آوری اطلاعات در این بخش، به عنوان پایگاه اطلاعاتی برای تحلیل‌های کلان، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری، گام مؤثرتری در جهت بهبود آمارهای اقتصادی، حساب‌های ملی و آمارهای نیروی کار برداشته می‌شود.

●	مقررات و قوانین زیاد و دست و پاگیر و همچنین هزینه‌های کار در بازار کار رسمی نیروهای محر که‌ای برای رفتن به سمت اقتصاد سایه هستند. کاهش اجباری در ساعات کاری برخلاف سلیقه و ترجیح کارمندان ساعت‌های بالقوهای را که آنها می‌توانند در اقتصاد سایه کار کنند، افزایش‌می‌دهد	●
۵-خدمات‌بخش‌عمومی		
افزایش اقتصاد سایه درآمدهای دولتی را کاهش می‌دهد. این عامل خود باعث کاهش کیفیت و کمیت خدمات بخش عمومی می‌شود. – این‌عملل می‌تولده‌به افزایش مالیات در بخش رسمی		

که همراه با زوال کیفیت خدمات عمومی است منجر شود. کاهش کیفیت در خدمات عمومی خود انگیزه مضاعفی برای مشارکت‌در اقتصاد سایه می‌شود.
تحقیقات اقتصاددانان در سال ۱۹۹۸ نشان داده است اقتصادهای سایه کوچک‌تر در کشورهایی با درآمدهای مالیاتی بیشتر بروز می‌کند، اگر این مالیات از طریق نرخ‌های مالیاتی پایین‌تر، مقررات و قوانین کمتر و رشوه‌های مالیاتی کمتر به دست آمده باشد.
– تحقیقات نشان داده کشورهایی با مقررات و قوانین مناسب‌تر که به وسیله درآمدهای مالیاتی اداره می‌شوند اقتصادهای سایه کوچک‌تری دارند.

– چرخش هزینه‌ها و تحمیل شدن آن به کارمندان انگیزه‌ای می‌شود که کارگران کارشان را در اقتصاد سایه عرضه کنند.

۲-نقل‌و‌انتقال‌اتلامتجامعی
– به موجب افزایش نرخ مالیات حاشیه‌ای توسط سیستم رفاه اجتماعی انگیزه برای کار در اقتصاد رسمی کاهش پیدا می‌کند. این سیستم همچنین می‌تواند موانعی برای اشتخاصی که در حال دریافت پرداخت‌های رفاهی در اقتصاد رسمی هستند فراهم کند.
۴-قوانین‌بازار کار